

نامه ای از رضا رضایی که بگنم در باره رژیم پادشاهی

رضا رضایی که جز گروه ۷ نفری اطلاع دادیم او را طوری شکنجه میدهند که اثری باقی نگذارد تا وی را به خیابانها در سر قرار ها بیاورند و به همین وسیله سایر دوستانش و بخصوص برادرش را دستگیر نمایند ، اینک قهرمانان از جنگال در خمیان و یلزمان امنیت گریخته و پس از سه ماه شکنجه مطالب زیر را در باره هموطنان در بند ما نوشته است

کسی جل سالم بدر نبرده است که برای شما چگونگی آنرا توضیح دهد . یاد رزیر شکنجه به شهادت رسیده و یا ایند بدون داشتن اجازه ملاقات با کسی در مقابل جوخه های آتش قرار گرفته و به شهادت رسیده اند بنابراین اینها را از لایم ساواک برای همیشه مکتوم نگه میدارد . ولی اطلاعات موثقی از زندانیان که شکنجه های ملامتتری در مورد آنها اجرا شده است میتوان نشان دهنده شدت وحشیگری جلادان ساواک و رفتار رژیم با زندانیان سیاسی باشد . کسانی که به جرم آلتظن به آزادی و آزاد فکری در جنگال رژیم اسیرند .

جلادان ساواک را میتوان از نظر روانشناسی از تیپ کانگسترها و افراد سادست قرار داد . این افراد که اگر شغلی غیر از این داشتند بدون شک باید در میان جنایتکاران و کانگسترها دنبال آنها گشت ، افراد بکه سرشارا عقده های مختلفند . این دوره های (مختلف) رنجری ، جاسوسی ، پلیسی و شکنجه دادن بدو اینک اثر باقی گذار لای طبق آخرین تجربیات رژیمهای فاشیستی اسرائیل و آمریکا را دیده اند . مستشاران خارجی اسرائیل و آمریکائی طراح نقشه های نابودی گروههای سیاسی و شکنجه های نا جوانمردانه آنها هستند . در زیر اسامی عده ای از آنها که در شکنجه گاه اوین و قزل قلعه مسئولین عده هستند اشاره میکنم .

- ۱ - پرویز ثابتی ۲ - معطار پور با نام مستعار دکتر حسین زاده ۳ - عصار (دکتر جوان اسم مستعار) ۴ - هوشنگ ارغندی (دکتر منوچهری مستعار) ۵ - ناصر خدا یاری (تهرانی مستعار) ۶ - قاسمی (مستعار) ۷ - کریم باصرنی (اسم مستعار) ۸ - اخوان یا محمدی اسم مستعار عسدی یا ناصری ۹ - مضطفوی (اسم مستعار) ۱۰ - کمالگر (اسم مستعار کمال) ۱۱ - هادی کردستانی و شدت کربیه المظفر ۱۱ - حسینی رئیس زندان مانند یک گوریل کودن و وحشی که منزلت در پشت باغ اوین است ۱۲ - همایون بهزادی فوتبالست محبوب با ۱۰ سال سابقه کار او را به خصوص اقتضاج کنید که همه بفهمند مامور سازمان امنیت (ساواک) است . ۱۳ - فرجی و دهها نفر دیگر .

وسائلی که در شکنجه گاهها وجود دارد .

شکنجه بد و منظور صورت میگیرد ، یکی به منظور رعب و وحشت و فرار دادن کسانی که در راه مقدس مبارزه شام میگردند دیگر منظور حرف کشیدن از کسانی که در یک تشکیلات سیاسی و محلی فعالیت دارند . این قسمت مهم قضیه است این در هستند که زیر شدیدترین شکنجه ها قرار میگیرند تا اینکه نام رفقا و محل زندگی و سایر اسرار مربوط به دوستانشان را فاش سازند و برای این منظور از هیچ شکنجه و خشنونت و جنایتی اماندارند . در شرایط فعلی میهن ما که گروههای مختلفی اقدام به جنگ مسلحانه کردند شکنجه های غیر انسانی نقش مهمتری دارند . به محض دستگیری یک چریک در همان ساعات اول او را تحت این شکنجه ها قرار میدهند . در ۲۴ ساعت اول شدت شکنجه بسیار زیاد است . مهمترین شکنجه های بدنی این ها هستند : شلاق که از کاپلهای لاستیکی برق انتخاب شده است . مشت و لگد افراد دوره دیده که به فنون کاراته وجود و وارد هستند . شخص را با این وسائل ابتدائی آزار میدهند که به حالت اغما می افتد پاها در اثر شلاق متلاشی شده باد میکند که امکان راه رفتن وجود ندارد . در اثر آزارهای بدنی غالباً دست و پا و بینی شکسته میشود که بعد از درمان مجدد روی همان نقاط فشار می آورند و مجدداً می شکستند . واقعاً خارج از حد طاقت انسان است که با بدنی بیمار و زخم دیده مجدداً شکنجه ببیند . در چنین حالتی که انسان از شدت درد به جا

بیهوشی و افما افتاده است از او اقرار میگیرند و سپس از او می خواهند که در زیر ورقه اقرارش بنویسد که مطالب فوق را در کمال صحت و سلامت نوشتم و به وسیله امضا تأیید می کنم . آنوقت این سند قانونی را بدادگاه می فرستند . جالب اینکه ساواک هر عطی بخواهد از انجام آن خودداری نمی کند ولی همیشه (بخاطر گول زدن افکار عمومی و وحشت مردم) برای آن يك صورت قانونی می تراشد . نظیر آنچه که در فوق گفته شد . از شکجه هائیکه من خودم دیدم و یا افرادی که این شکجه ها در مورد شان اجرا شده بود چندین نمونه زیر را می گویم تا خلق ایران به راز این جنایات پی ببرند .

مهند سراسرید بیخ زادگان را اجاق برقی نشانند در حالیکه دست و پای او را به تخت بسته بودند و مدت چهار ساعت او را سوزانیدند . شدت سوختگی بحدی بود که نامبرده بیهوش شد و سوختگی پس از سه روز از بدن مهره های کمر او به نخاعش پیوسته بود که نزد يك بصرگ می افتاد . ج سراسر او باز کرده و يك هفته به همان حال رها می کردند . بطوریکه بوی تعفن فضای اتاق را پر کرده بود و هیچکس به اتاق نزدیک نمیشد . بعد از يك هفته مجبور شدند چندین با او را مورد عمل جراحی قرار دهند . سه با مورد عمل جراحی قرار میدهند و با زهر داشتن قسمت های سوخته مهره های کمر او را از مرکز حتمی نجات دادند . ولی وی ... از راه رفتن ... محروم است و با پشت خمیده و به کمک دست ها حرکت می کند .

مهندس عباس مفتاحی را از گروه سپاهک مدت ۱۵ روز شکجه می کردند و او حرف نزد . مبدی سوالانی یکی دیگر از رزمندگان گروه سپاهک را با دیلم هر دو پایش را شکستند . هر دو پای او را مدت ها در گچ گرفته و اکنون از نعل صبیح راه رفتن محروم است .

شکجه با بانوم های الکتریکی مرسوم ترین شکجه هاست . چون علاوه بر شوک های عاجز کننده اثراتی از خود بر جای نمیگذارد . تزریق داروهای تشنج آور نظیر کارد بازول و داروهای سلب اراده و شوک های الکتریکی قوی - امواج ماوراء صوت ، چراغهای پر نور خورشیدی که میتوان مستقیماً به چهره انداخت . کشیدن ناخن . ضربه هائی که به مغز وارد می کنند که موجب کوری و دیوانگی می شود .

شخصی را دیدم که در اثر این ضربه ها دیوانه شده بود و اشخاص بی شماری که شنوائی و بینائی خود را از دست داده بودند . آویزان کردن وزنه های سنگین به بیضه که واقعا غیر انسانی و کشنده است . کسی که این عمل را با او کرده بودند مدت ها قادر نبود به اندام برگردد . فرو کردن بطری به مقعد ، دستبند قیانی و علاوه بر این ها زندانهای تاریک و تنگ که حتی نگهبانها از نگهبانی در آن نقطه ابا و شکایت دارند و حاضر نیستند در آنجا نگهبانی دهند .

از مجامع بین المللی بخواهید از این زندانها باز دید کنند . در این زندانهای تنگ با مساحت ۱۲۰ x سانتیمتر و ارتفاع ۲ متر تنها يك درچه . ۴ x ۳۰ که لامپی در فاصله دور از آن قرار دارد و نور ضعیفی از آن بداخل می تابد و حتی گاهی چراغها را خاموش میکنند . زندانی در این زندانها نمی فهمد که روز و شب چگونه میگذرد . در این سلولها که هوا کافی برای تنفس نیست گاهی تا سه نفر زندانی وجود دارد که با سختی می خوابند . هوای سلولها بقری تنگ است که قند بر اثر رطوبت آب میشود (جم) ها موریچه در اطراف شهد آن جمع می شوند .

به نگهبانها بیکه سرباز صفر د ران هستند هر روز تلقین میکنند که این زندانیها خائن ، دزد ، دزد ناموس و پول مردم هستند مواظب باشند به آنها نزد يك نشوید که از کشتن شما ابائی ندارند . جالب اینجا است که بطیرغم کلیه این تلقینات سربازی نیست که تحت تاثر اثر اخلاق و شخصیات این رزمندگان بزرگ واقع نشود و مخفیانه صحبتی که از دستش بر میآید در حق آنها انجام ندهد . مثلاً موقع تقسیم قند مقداری زیاد تر میدهد و بدلیه همین تاثیر رفتار و شخصیت این رزمندگان است که سربازان را هر هر چند مدت یکبار عوض می کنند . برای آنها تعجب آور است که می بینند يك عده تحصیل کرده ، دکتر ، مهندس و روحانی را اینطور آزار میدهند .

رژیم هرگز نمی تواند پاسخی برای سئوالات فراوانی که در ذهن افراد ترزنده میشود بدهد . با کمال تعجب به نماز خواندن و یا قرآن خواندن زندانیان نگاه میکنند و با کمال تعجب می پرسند واقعا شما مسلمانید ؟ سربا میگفت که اگر مرا به جوخه اعدام ببرند اول فرماندم را میکشیم بعد خودم را .

به مقامات بین المللی توصیه کنید که از این زندانها دیدن نمایند . در اوین (شکجه گاه مدرن رژیم) کسی اجازه مطالعه ، ورزش و هم وزن در هوای آزاد را ندارد . با يك زندانی سیاسی تحصیل کرده را بخاطر کمی بلند

است از او افرادی گیرند و سپس از او می‌خواهند که - رزیر ورقه افسرا رهن بنویسد که مطالب فوق در کمال صحت و سلامت نوشته به وسیله امضا تایید میکند و آنوقت این سند قانونی را به دادگاه می‌فرستند. جالب است اینکه ساواک هر عملی بخواهد از انجام آن خودداری نمی‌کند ولی همیشه برای آن یک صورت قانونی می‌تراشد نظیر آنچه که در فوق گفته شده از شکجه‌هایی که من خود دیدم و یا افرادی که این شکجه‌ها در موردشان اجراء شده بود چندین نمونه زیر را می‌گویم تا خلق ایران به راز این جنایات پی ببرد.

- اصغر بدیع زادگان را روی اجاق برقی نشانده ماند و در حالیکه دست و پای او را به تخت بسته بودند مدت چهار ساعت او را سوزانیدند شدت سوختگی به حدی بود که ناپرده بیپوش شد و سوختگی بعد از سوزندان مهرهای کمر او به نخاعش می‌رسد که نزدیک به مرگ می‌افتد. سپس او را باز کرده و یک هفته به همان حال رها میکنند به طوریکه بوی تعفن فضای اطاق را پر کرده بود و هیچکس به اطاق نزدیک نمیشد. بعد از یک هفته مجبور می‌شوند او را چندین بار مورد عمل جراحی قرار دهند - سه بار مورد عمل جراحی قرار میدهند و با برداشتن قسمت‌های سوخته مهرهای کمر او را از مرگ نجات میدهند ولی وی دیگر از نعمت راه رفتن مستقیم تا مدت‌های زیادی محروم است و با پشت خمیده و به کمک دست‌ها حرکت میکند. مهندس عباس مفتاحی را از گروه سیاهکل مدت ۱۵ روز شکجه میکردند و او حرف نزد. مهدی سولانی یکی دیگر از رزمندگان سیاهکل را با دیدم هر دو پایش را شکستند. هر دو پای او را مدت‌ها در گچ گرفته و اکنون از نعمت صحیح راه رفتن محروم است.

شکجه بابانوم‌های الکتریکی مرسوم‌ترین شکجه‌هاست. چون علاوه بر شوک‌ها مجاز کنند فاش‌تری از خود به جا نیک‌گذارد. تزریق داروهای تشنج آور نظیر کارد یازول و داروهای سلب‌الوده و شوک‌های الکتریکی قوی. امواج ماوراء صوت. چراغ‌های پر نور خورشیدی که میتوان مستقیماً به چهره انداخت. کشیدن ناخن ضربه‌هایی که به مغز وارد می‌کنند که موجب کوری و دیوانگی می‌شود. شخصی را دیدیم که در اثر این ضربه‌ها دیوانه شده بود و اشخاص بی شماری که شنوائی و بینائی خود را از دست داده‌اند. آویزان کردن روزه‌های سنگین به بیضه که واقعا غیر انسانی و کشنده است. کسی که این عمل را با او کرده بودند مدت‌ها قادر به ادراک کردن نبود. فرو کردن بطری به قطع دستبند قبائی و سلاوه براینها زندانهای تاریک و نضاک که حتی نگهبانها از نگهبانی در آن نقطه اها و شکایت دارند و حاضر نیستند در آنجا نگهبانی دهند. از جماع بین الطلی بخواهید از این زندانها باز بید کنند. در این زندان‌های نضاک با مساحت ۲۰ x ۲۰۰ سانتیمتر و ارتفاع ۲ متر تنها یک دریچه ۴۰ x ۳ که لای در فاصله در از آن قرار دارد و نورضعیفی از آن بداخل میتابد و حتی گاهی چراغ‌ها را خاموش میکنند. زندانی در این زندانها نمی‌فهمد که روز و شب چگونه می‌گذرد. در این سلولها که هوای کافی برای تنفس نیست تا سه نفر زندانی گاهی وجود دارد که بسختی می‌خوابند. هوای سلولها بقدری نضاک است که قند در اثر رطوبت ذوب می‌شود و صد ها مورچه در اطراف شهید آن جمع میشود. به نگهبانها که سرباز صفر دین هستند هر روز تلغین می‌کنند که این زندانها خائن دزد و دزد ناموس و پول مردم هستند مواظب باشید به آنها نزدیک نشوید که از کشتن شما ابائی ندارند. جالب اینجاست که علیرغم کلیه این تلقبات سربازی نیست که تحت تاثیر شخصیت و رفتار این مردان بزرگ واقع نشود و مخفیانه محبتی که از دستخبر می‌آید در حق آنها انجام ندهد. مثلاً موقع تقسیم قند مقداری زیادتری دهد که بدلیل همین تاثیر اخلاق و شخصیت این رزمندگان است که سربازان را هر چند مدت یکبار عوض می‌کنند. برای آنها بسیار تعجب آور است که می‌بینند یک عده تحصیل کرده و دکترو مهند سرور و روحانی را اینطور می‌آزارند. رژیم هرگز نمی‌تواند پاسخی برای سئوالات فراوانی که در ذهن افراد خیزنده می‌شود بدهد با کمال تعجب به نماز خواندن و یا قرآن خواندن زندانیان نگاه می‌کنند و با کمال تعجب می‌پرسند واقعا شما مسلمانید. سربازی می‌گفت که اگر مرا در جوخی اعدام ببرند اول فرمانده مام را می‌کشم بعد خودم را. به مقامات بین الطلی توصیه کنید که از این زندانها دیدن نمایند. در اوین (شکجه گاه دوران رژیم) کسی اجازه مطالعه که ورزش و قدم زدن در هوای آزاد را ندارد. یک زندان سیاسی تحصیل کرده را به خاطر کسی بلند حرف زدن که زمزمه کردن و یا آرام آواز خواندن تنبیه کرده کک می‌زنند - در سلولهای عمومی تا ۳۰ نفر زندانیند و در حقیقت باید گفت آنجا یک بیمارستان مجروحین جنگ است نه یک زندان سیاسی. چون همه را شکجه کرده و زخمی بر بدن دارند. زندانیان سیاسی ما راحت تر خواهند بود اگر با آنها

و در حقیقت باید گفت آنجا يك بیمارستان مجروحین جنگ است نه يك زندان سیاسی چون همه ر - بدن دارند . زندانیان سیاسی ما راحت تر خواهند بود اگر حداقل مانند يك اسیر جنگی با آنها رفتار شود . چون طبق قرارداد های بین المللی يك اسیر جنگی از حقوقی برخوردار است . با هیچ جنایتکاری در هیچ نقطه جهان چنین رفتاری نمیشود . کسانی که در اوین زندانیند از دیدن خویشان و ندان خود محرومند . کسانی هستند که يكسال است خانواده خود را ندیده اند . زندگی يك عنصر فعال در اوین خلاصه میشود در خواب و خوراک و كك و توهین . خدا نكند کسی بیمار شود . پزشکيار زندان که يك ساواکی است و به انحاء مختلف سعی میکند با فریب از انسان خوف بکشد و با مقداری قهر و مسکن سوخته قضیه را هم می آورد . وسائلی که بیک زندانی میدهد عبارت است از ۲ پتویك بالشست و يك تشك و يك لیوان پلاستیکی . هفتامی يك روز ميوه که عبارت از دو سیب یا يك قاج خرپزه میدهد . زندانی رنگ آفتاب را نمی بیند

شرایطی که گفتم خیلی بهتر از زندگی وضع زندگي ملیونها ده - وطن غیر زندانی ماهیت - هموطنانی که برای يك لقمه نان در مانده اند و ميوه هارا حتی باسم نمی شناسند و دسته دسته از گرسنگی و فقر و محرومی می میرند . هموطنانی قالی باف ما که رنگ آفتاب را نمی بینند و در زیر زمینهای نضاک و کم نور و دستمزد کم و خوراک ناچیز روزگار میگذرانند . به همین جهت برای يك زندانی سیاسی که بخاطر همین انسانهای محروم بزنند آمدن است شرایط زندگی در زندان بد نیست و از آن شکایتی ندارد . تقاضایشان این نیست که مقامات بین المللی برای آنها مکان های خوب ، غذای خوب و نور آفتاب بیاورد اعتراض طایفه موج بازداشت های غیر انسانی رژیم است . اعتراض به کشتن استعداد ها و نبوغ يك ترین فرزندان خلق .

گوشه های خود را خوب باز کنید و فریاد های جان خراش پاکترین مردان این دزد و بوم را در زیر شکجه های سحابه ساواک بشنوید . فریاد اعتراض بالند کنید و این فریاد را بگوش جهانیان برسانید . چشمه های خود را باو کنید و بزخمهای عقیق و بدنهای کبود کبود شده از شلاق آنها نگاه کنید . برای اینکه معنای چهار ساعت روی اجاق برقی شکجه دیدن را درك کنید آتش سیگاری را بدستان نزدیک کنید .

موضوع دیگر آزار خانواده های زندانیان است . رژیم به پسر مرد و پسر زن ، کودک و جوان رحم نمی کند . آنها را به عنوان گروگان تحت آزار قرار میدهد تا فرزند خود را معر فی کرده و دستگیر سازند .

مطالب دیگری از از مجاهد شهید رضا رضایی نیز منتشر شده بودند از جمله در

باختر امروز شماره ۲۳، صفحه ۱، بهمن ۱۳۵۰

<http://peykarandees.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-23.pdf>

باختر امروز شماره ۵۱، صفحه ۸، اسفند ۱۳۵۲

<http://peykarandees.org/Niruhaye-Digar/bakhtare-emrooz/bakhtare-emrooz-51.pdf>